

از اوباش گردانی تا چالش میان
قوه قضائیه و نیروی انتظامی

صفحه ۴

تکذیب می‌کنم!

صفحه ۵

دو هفته‌ای که با او نهفت‌تر شد

سیاسی‌ترین نشریه دانشگاه شهید بهشتی

قره باغ آتش زیر خاکستر

صفحه ۶

خیز به خیز وظیفه
علیه جمعیت

صفحه ۳

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی / مدیر مسئول: مهدی خطیب‌دماوندی / سردبیر: سید محمدعلی باقری / شماره سیزدهم / مهرماه ۱۳۹۹

میراث قزاق!

انتشار آراء و نظرات فعالان جنبش دانشجویی
پیرامون ابعاد گوناگون مسئله سربازی



◆ سایه‌ی رضا خانی ◆

احمد رضا موسی پور
کارشناسی علوم سیاسی

لاکن بر کسی پوشیده نیست که عصر رضاخانی دوره‌ای از تاریخ این کشور است که آمیخته‌ای است از استبداد سخت و پریشانی ملت سختی دیده و تحقیر ملی و شکست سه روزه‌ی ارتش نوین شاهنشاهی. از ۱۳۰۴ که قانون خدمت اجباری سربازی در ایران اجرا شد کسی فکرش را هم نمی‌کرد که این تحول نظامی روزگاری بلای خانمان سوز جوانان مذکری خواهد شد که آیندشان در زیر ساطوردریافت کارت پایان خدمت است. بیاید کمی جدی‌تر صحبت کنیم. در مفاهیم ساخت دولت مدرن وجود یک ارتش و ساختار امنیتی و نظامی یک اصل غیر قابل انکار برای توسعه در تمامی شئون آن کشور است. توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... همگی زمانی محقق خواهند شد که دولتی مقتدر با ساختار نظامی مشخص وجود داشته باشد. این مطلب ایده‌ی اصلی اجباری کردن سربازی در ایران دوره‌ی رضا خانی و دولت‌های بعد از آن بوده است. تا به اینجای ماجرا کسی معترض نیست و هر فرد میهن دوستی فارغ از نژاد و مذهبش به این اصل یعنی تامین امنیت برای توسعه معتقد و پایبند

است. اما ایراد و انتقاد ما جای دیگری است. در حکمرانی خوب طرح مسئله و نتیجتاً رسیدن به یک ایده و طرح خوب خود یک فرایند بسیار حساس و ظریف است، اما مهم‌تر از آن، اجرای آن طرح و ایده است. چه بسا ایده‌ها و طرح‌های بسیار عالی و خوبی وجود داشته باشد اما در فرایند اجرا بدترین نتیجه‌ی ممکن را بروز بدهد. خوب، حال با این مقدمه نسبتاً مفصل بریم سر بحث اصلی خودمان یعنی: دسربازی اجباری ۲۴ ماه در نظام جمهوری اسلامی ایران. تا کمی پیش یعنی تا هفتمین هفته‌ی قبل مدت خدمت سربازی در مناطق بومی برای سربازان چیزی در حدود ۲۱ ماه با دوره‌ی آموزشی بود، لاکن با تصمیم خلق الساعه‌ی ستاد کل نیروهای مسلح این مدت زمان به ۲۴ ماه افزایش یافت. این اقدام درحالی روی میدهد که کمی کمتر از ۲ سال پیش مدت سربازی از ۱۹ ماه به ۲۱ ماه در مناطق بومی افزایش پیدا کرده بود. حرف آخرم را اول میزنم: ما به این مسئله معترضیم. ۲ سال از پرنشاط‌ترین و زیبا ترین ایام زندگی یک جوان را باید در پادگان‌های نظامی داخل سرویس‌های بهداشتی و سیستم نامه‌رسانی و توزیع غذا جست و جو کرد. چرا؟؟ چرا این ایام مهم و حساس زندگی یک جوان باید در چنین محیط‌هایی سپری بشود؟ کمی پوپولیسم وارد متن کنیم؟؟ به جرم پسر بودن؟ شما اگر در ایران زندگی کنید و یک فرد مذکر

باشید، برای بعد از ۱۸ سالگی تا ۲ اتفاق عمده رقم میخورد. یا آنکه یا کنکور می‌دهید و به دانشگاه وارد می‌شوید و تحصیل می‌کنید یا اینکه به پلیس بعلاوه ۱۰ مراجعه کرده و دفترچه خدمت خود را پست میفرمایید. راه سوم وجود ندارد. اگر هیچ کدام از این مسیرها را نخواهید تنهاکاری که می‌توانید انجام دهید نفس کشیدن است. چون اجازه، خروج از کشور، افتتاح حساب، دریافت وام (اعم از ازدواج و...) خرید بلیط مسافری، ادامه تحصیل و... را نخواهید داشت. در مقدمه گفتیم اجرا مشکل دارد. هنوز هم میگوییم آقایان اجرا مشکل دار است. سربازی اجباری به شیوه‌ای که فعلاً در حال اجرا و جلو رفت است تنها عایدی اصلیش تاخیر از دواج جوانان، از دست رفتن فرصت‌های شغلیشان، تحمیل فشارهای روحی و روان شناختی است. مرکز پژوهش‌های مجلس، اندیشکده‌ها و جمعی از خوده‌کادر نیروهای مسلح یک طرح اصلاحی را برای اصلاح نظام خدمت اجباری تدوین کرده بودند که متأسفانه معلوم نیست نتیجه‌اش چه شد؟ اما حسب ابلاغیه و تصمیم خلق الساعه‌ی ستاد کل میتوان فهمید که اصلاً آن ایده‌ها فرصت مطرح شدن پیدا نکرده بودند چه برسد به اعلام آن. بحران‌های جمهوری اسلامی به خودی خود یک داغ سنگین است، عمیقاً معتقدم که خدمت اجباری سربازی خود یک بحران کهنه است که منتظر زخم باز کردن است.

واللبته تصمیم اخیر عمق این بحران و رابطه را دستخوش تغییر خواهد کرد. واقعا از سربازی چه یاد گرفته ایم؟ پسر‌ها آدمیانی اند همانند سایر انسان‌ها. آنها حق حیات و زندگی بدون استراس مضاعف را دارند. سربازی اجباری اما راه آن را سد کرده است. خود این مقوله در حال تبدیل شدن به یک بحران امنیت برای جمهوری اسلامی است. معتقدم که روش فعلی در خدمت اجباری که در حال اجراست دیگر پاسخ‌گو نخواهد بود. از طرفی یک ایراد بسیار بزرگ‌تر در حال شکل‌گیری در کشور است و آن چیزی نیست بجز اقتناع افکار عمومی. افکار عمومی واژه‌ای گمشده در ادبیات حکمرانی ماست. قیمت بنزین به یکباره سه برابر می‌شود بدون کلمه‌ای اطلاع و اقتناع. از طرفی خدمت سربازی هم اضافه میشود بدون کلمه‌ای توضیح و تبیین صحیح. در این بین این فقط افکار عمومی است که در زیر لگد‌های غیر مسئولانه‌ی مسئولان ذره ذره در حال ذوب شدن است. خواه بپذیرید خواه نپذیرد، خدمت سربازی مقوله‌ایست که سایه‌ی رضاخان میر پنج کماکان بر آن سنگینی میکند. هرچند که تعمیم به کل نمی‌دهیم اما روحیه همان روحیه‌ی خشن و سرد و بی روح عصر رضا خانی است. حضرات فراموش کرده‌اند لازم است یاد آوری کنیم: اینجا جمهوری اسلامی ایران است و نه جمهوری استبدادی ایران...

دوهفته‌نامه سیاسی‌دانشجویی هفت تیر
سال دوم/شماره سیزدهم/مهرماه ۹۹

پیشخوان

۲

افزایش مدت سرسازی در این وضعیت اقتصادی ادامه اشتباهات گذشته است

۵۶ تشکل دانشجویی در نامه ای خطاب به سرلشکر باقری:

جناب سرلشگر باقری؛ به واسطه وقایع سیاسی و اجتماعی متعدد، جامعه ما در سال‌های اخیر دچار التهابات متعددی است. حال در این وضعیت اسفناک اقتصادی و اجتماعی که جوانان برای تشکیل و فراهم کردن حداقلی از امورات ساده زندگی باید شبانه روز تلاش کنند، بی هیچ علتی باید دو سال از حساس‌ترین و پرنشاط‌ترین دوران زندگی شان را با کمترین بازدهی ممکن به فعالیت اجباری بپردازند. به عقیده ما، سرسازی اجباری حداقل به شکلی که در حال حاضر وجود دارد، با کمترین بازدهی ممکن و بیشترین آسیب موجود در حال اجرایی شدن است و قانون و ابلاغیه اخیر ستاد کل نیروهای مسلح، ادامه همان روند اشتباه گذشته می‌باشد.



توفیق اجباری

توسط جوان دهک پایین کجا و تسهیل سازی دوران سرسازی و کاهش اثرات ناخوشایند سرسازی توسط سرپاز « خدمت وظیفه عمومی خدمت واقعا مقدسی است که دهک بالایی برخوردار، کجا.

مگر قانون نگفته است حقوق سرپاز باید بین ۶۰ تا ۹۰ درصد حقوق کارکنان کادر باشد؟ چرا به آن عمل نمی شود به بهانه عدم بودجه؟ این توجیه و عذر پذیرفته برای کار خلافتان از قانون نیست؛ حال کارفرمایی کارگرس را بیمه نکند، چگونه قانون با او برخورد می کنند؟ این مدل سرسازی که به مثابه بیگاری گرفتن از جوان و سرمایه انسانی کشور است به این نگاه برمی‌گردد که نیروی ارزان و به عبارتی مفت به خدمت دارد و در این نگاه مدیریتی مگر غیر از آن است که خدمت اجباری و مفت هرگز بهینه نخواهد شد، این امر بدیهی است، چون برای خدمتش هزینه به تناسب آن پرداخته نشده، اما فاجعه این نوع نگاه فراتر از مدیریت مفت کوفتی است!

این که چند صد هزار نیرو جوان و محرک اقتصاد کشور بدون هدف به صورت گنگ در هر اشتغال نامربوطی به کار گرفته می شوند و به جای تبدیل و استفاده از آن فرد برای تاثیرگذاری در جامعه و تناسب بخشی به حقوق، مدت، شکل و محیط خدمتش و یا حتی تلاش برای فعال شدن او در چرخه اقتصاد کشور که می‌تواند با مالیات دادنش منبع درآمد مدیریت جامعه باشد، نهایتا او را تبدیل به کنترلر ورود و خروج اتوبوس به خط ویژه بی آرتی می کنیم و چه تصویر ذهنی تاسف باری که از این نوع خدمت به ذهن متبادر می شود! و چه شان و منزلت جوانی که با این نوع مدیریت سرمایه انسانی به راحتی مورد خدشه قرار می گیرد.

چقدر بد نیروی جوان و محرک اقتصاد کشور این گونه دو سال از چرخه اقتصاد حذف می شود و به دلیل ساده انگارانه استفاده ارزان از آن سرپاز، هزینه‌های سنگینی که به طور پنهان بر جامعه تحمیل می‌شود را نمی‌بینیم، هزینه هایی چه از جنس اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و چه دینی و حتی سیاسی! آیا چرایی ادامه تحصیلات تکمیلی بدون هدف خیل عظیم دانشجویان را بررسی نموده ایم؟ سوپسید و یا همان یارانه دولت برای تحصیل این جوانان را چه؟! علل فرار تحصیلی از کشور و مهاجرت نخبگان زبان بسته؟ قطع ارتباط کاری و تحصیلی و به فراموشی سپردن مهارت های ماقبل سرسازی چطور؟ معطل نمودن اقتصاد کشور برای به کارگیری نیروی جوان را چگونه جبران کنیم؟ حق انتخاب افراد با سلاقی و دیدگاه های متنوع و خلاقانه که از مزایا و شروط رشد است با کارخانه همسان سازی سرسازی اجباری تناقض ندارد؟، آسیب ها و مشکلات روانی سرپاز جوان ناشی از به روزمرگی افتادن و فهم تضییع حقوقش با به بیگاری رفتن، خود که مصیبت عظماست!

تلنبار شدن چند میلیونی مشمولان غائب به انضمام خشم ناشی از محرومیت از خدمات مختلف اجتماعی و ایجاد زمینه های فقر فردی و خانوادگی در جامعه با عدم به کارگیری مناسب و یا ندادن حقوق متناسب با خدمت فرد به خدمت گرفته شده و جلوگیری از استفاده حداکثری و بهره بردن آن از عمر جوانی اش و سرپاز فراری یا مشمول غائب که خود و به تبع آن خانواده تحت تکلفش امکان بیمه نداشته و نهایتا در بازار کار نیز با سواستفاده کار فرمایان با حداقل حقوق همچنان در زمین فقر، تبعیض و محرومیت غلط می خورد و اینها تنها بخشی از هزینه هنگفت پنهان تحمیل شده به مهمترین گروه سنی سرمایه انسانی کشور و جامعه، ناشی از این مدل خدمت اجباری است، القا این اثرات منفی موروث سرسازی اجباری رضاخان دیکتاتور به نظام اسلامی، هم از تبعات فکری و سیاسی این الگو نچسب است.

یادش به شر! که حتی از گرفتن گواهینامه هم محروم بودند، که نهایتا جمعیت زیاد رانندگان بدون گواهینامه و هزینه‌های تحمیلی بر کشور ناشی از تصادفات و البته به دلیل آشکار بودن هزینه های تحمیلی آن، در سال ۹۶ موجب لغو این محرومیت اجتماعی شد. قطعاً نمی‌توان این مسیر را به ناگاه تغییر داد، اما با نگاه کارشناسی، علمی و البته اقدام شجاعانه انقلابی

وحید جهان آرا
کارشناسی مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

در جنگ و صلح در صف اول نیازهای ملت و کشور قرار دارد هم خانواده ها و هم آحاد جوانان باید اهمیت آن را درک کنند و با شوق و علاقه به آن بشتابند»، این کلام از سخنان امام حاضر جامعه است اما اگر برخلاف خواسته امام امت خدمت، خدمت نبود و نیاز ملت و کشور را برطرف نکرد و اگر بر خلاف کلام امام خمینی سرپاز به عنوان سرپاز خدا و اسلام ساخته نشد و بر اساس اهداف تربیتی اسلام تربیت نشد و حقوقش برخلاف قانون و شرع تضییع شد، آیا میشود باز نامش را خدمت مقدس نامید؟! تمام مسئولینی که فقط به عنوان میراث دار مدل سرسازی اجباری رضاخان تصمیم می‌گیرند، باید این سوال اساسی را از خود بپرسند جوانی را که به سرسازی می‌گیرند، آیا مطابق با اصول و موازین اسلام و قانون ساخته می‌شود و خدمت می‌کند و نیاز ملت و کشور را برطرف می‌کند؟ یا بر اساس الگوی سرسازی اجباری به جا مانده از دوران دیکتاتوری محض رضاخان؟

اساس انقلاب، انقلاب و تحول در همه امور و برای از بین بردن نقصان های در ساختار حکومتی بود که خلاف موازین اسلام کار می‌کرد و به تبع آن چه که خلاف موازین اسلام بود خلاف عدالت و خلاف حقوق انسانی هم بود.

یکی از الگوهای به جا مانده و غلط که نیازمند اقدام انقلابی برای اصلاح آن مطابق با اصول اسلامی است، مدل خدمت سرسازی اجباری به جا مانده از حکومت طاغوت پهلوی است، جوانی که به اجبار عمرش بدست ما تلف و حقوقش تضییع می شود خلاف مشی اسلامی است!

یکی از مفاد صلح نامه حدیبیه که موجب خشم عده ای از اصحاب همچون عمر بن خطاب و حتی سخنان تند و سوالات طعنه‌آمیز از پیامبر(ص) شد و آن را باعث حقارت مسلمانان می دانستند این بود که چرا مسلمانان متعهد شدند افرادی که بدون اجازه ولی از سوی قریش به مدینه فرار می‌کنند را به مکه بازگردانند، اما مکیان چنین تعهدی به فراریان از مدینه به سوی قریش نداشتند؛ اما رسول اکرم (ص) در پاسخ دلیل اسلام مرقی را اینگونه فرمودند که اگر مسلمانی به سوی قریش رفت نشانه آن است که آن فرد قلبا مسلمان نشده و این مسلمان به درد اسلام نمی‌خورد!

شوق بخشی به حضور جوانان در خدمت سرسازی که حقیقتاً به عنوان سرپاز اسلام ساخته و شناخته شود، با امر اجباری به مدل رضاخانی امکان پذیر نیست، با خدمت سرسازی پسرانی که دو سال از مهم‌ترین عمر زندگی شان را وقف آن می‌کنند، نباید به سادگی برخورد کرد و با تنبلی و غفلت از روحیه انقلابی به مدل پوسیده ی چند دهه پیش اکتفا کرد.

سرسازی کنونی با چالش‌های بزرگ و اساسی روبه‌روست، که حداقل اولیات حقوق‌سرباز رعایت نمی شود که مشخصا خلاف موازین اسلام و قانون جمهوری اسلامی است، سرمایه عظیم و پرنشاط انسانی در بهترین سنین عمر خود، از ظرفیت و استعداد تحصیلی و مهارتی گسترده و متنوعی برخوردار است، چطور آن را با قیف می‌خواهیم در یک مدل ظرف تنگ و آن هم به اجبار و نبود تنوع انتخابی جا دهیم؟!

آیا به مشکلات اقتصادی ناشی از این مدل سرسازی که موجب تاخیر در ازدواج و تشکیل خانواده می شودو البته ۸۰ درصد مشمولان غائب که از دهک های پایین جامعه اند فکر کرده ایم؟!

چرخه ای ناموزون که گستره فقر سرباز فقیر را گسترده تر و نشانه های تبعیض ناشی از اثرات خدمت نامتناسب را در کنار سرباز از دهک های بالاتر جامعه را نمایان می کند!

حال چه فرقی برای سرباز دهک پایین جامعه دارد که ۱۷ ماه خدمت کند یا ۱۸ ماه، جوانی که نان آور خانواده اش بوده اجبارا به خدمت سرسازی رفته که حقوق سرسازی اش هم با آن جوان دهک بالا جامعه یکی است، اما مصیبت دغدغه تامین نان خانواده



میتوان منتظر تربیت سرسازی بود که بتواند در خدمت اسلام و انقلاب باشد، سربازمسلمانی که در شرایط نیاز کشور آماده به خدمت و به‌کارگیری باشد و به جای سرسازی پیوسته دو ساله گوشه پادگان برای عموم، می توان دوره سرسازی کوتاهی را طرح ریزی کرد که سرباز مسلمان علاوه بر آموختن آمادگی‌های رزمی ، توانایی‌های خدمت رسانی در بحران ها همچون زلزله و سیل و به انضمام مهارتهای ارتباطاتی و نظم اجتماعی و بالاختص فعالیت موثر اقتصادی را فراگیرد و در طول زمان چند ساله به صورت هشیار باش به تناسب نیاز جامعه فوراً در میدان خدمت حضور پیدا کند و در طول زمان آزاد به عنوان یک سرباز تربیت و ساخته شده اسلامی دائم مشغول به خدمت جامعه اسلامی باشد، ان شاءالله

و با مطالبه عمومی می توان این مسیر انحرافی را اصلاح نمود و در ابتدا هم باید قوانین مصرح و مصوب موجود اجرایی شود، جامعه باید مالیات امنیتش را به صورت دقیق و مشخص و منظم بپردازد، حقوق سرباز و حمایت‌های قانونی متناسب با خدمتش به روز رسانی شود و با به کارگیری درست و علمی و هدفمند و بهینه نیروی جوان برای خدمت سرسازی از یک طرف و آزادسازی جمعیت کثیر جوان می تواند موجبات رشد اقتصادی، افزایش روحیه و امید جوانی و اعتماد به نفس و همینطور عملکرد موثرتر نخبگان در داخل کشور و کاهش جرم و جنایت قشر جوان را با حضور در چرخه اقتصاد فراهم نماید و قطعاً این نوع حضور علاوه بر حفظ سرمایه موجود باعث برگشت هزینه های صورت گرفته پیشین شده و آنگاه



قانون سربازی موجود برای دوره رضاخان است! نمایندگان درحال بررسی تغییر مدل سربازی هستند

ابوالفضل ابوترابی نماینده نجف آباد در مجلس شورای اسلامی: سربازی اجباری از زمان حکومت رضا خان در سال ۱۳۰۴ در کشور با قوانینی سخت گیرانه پایه گذاری شد که تاکنون تحولی در درونش اتفاق نیفتاده است. در این مدت تنها اقدامی که برای سربازی اتفاق افتاده بود فقط مدت خدمت سربازی کاهش یا افزایش یافته و هیچ تحول بنیادی در ساختار و درون آن اتفاقی نیافتاده است و فقط بازی با اعداد بوده است. به اعتقاده بنده این وضع سربازی دیگر پاسخگو نیست چرا چون اکنون شرایط دیگر مشابه زمان رضاخان نیست. یعنی مدارک تحصیلی افراد نهائیناسیکل بوده، ولی الان مدارک تحصیلی افراد به دکتري یا کارشناسی ارشد ارتقا پیدا کرده است پس نمی توان همان رفتاری که با فرد تحصیلات پایین انجام می شده با یک فرد تحصیلات بالا انجام داد. نمایندگان در حال بررسی مدل های مختلفی در رابطه با سربازی هستند که تاکنون به جمع بندی هایی مثبتی هم در این بار رسیده ایم که یکی از این مدل ها سرباز حرفه ای است که از سربازان در راستای تخصصشان استفاده شود.

دوهفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر
سال دوم/شماره سیزدهم/مهرماه ۹۹

پیشخوان

۳

خیز به خیز وظیفه علیه جمعیت

پادگان مواخذه می شود؛ احساس پوچی می کند، چون یا کار پیش پا افتاده است یا همخوان با تخصصش نیست و می تواند همه کارهایی که روزهای عمر جوانی اش را سپری می کنند، با یک کلیک انجام دهد و همه این ها عامل تحقیر و احساس بطلالت است. کاهش عزت نفس افراد به دلیل فقر و احساس بطلالت، امکان بروز هر مشکلی را دارد.

تاثیر کاهش عزت نفس و احساس حقارت سربازان بر کیفیت حضور جوانان در عرصه های مختلف، اعم از عرصه اقتصادی موثر است.

ترکیب سکنه ی دو ساله جوانان و باز ماندن از حضور موثر در عرصه های اجتماعی و اقتصادی با کاهش عزت نفس آنان، سبب می شود، جوانان برای ورود به بازار کار، با مشکل مواجه شوند و حتی در صورت حضور، عمدتاً فعالیت های خرد، بی ثمر و بدون مهارت را عهده دار می شوند.

کاهش حضور جوانان در بازار های مهارتی و تخصصی و درآمد کم، امنیت اقتصادی جامعه را برهم می زند.

زمان آن رسیده است، که نگاه نیروی های مسلح کمی بالاتر رفته و مقوله امنیت را فقط به پاسداری از مرزها تقلیل ندهد.

این که نیروهای مسلح با ادعای کاهش میزان سربازان، افزایش مدت زمان سربازی را در دستور کار خود قرار داده است، نشان از نگاه تک بعدی این دستگاه به مسائل مختلف مدیریت نیروی انسانی دارد.

همانطور که مرزهای کشور مرهون وجود نیروهای مسلح است، این ارگان با اصلاح ساختاری و استفاده کیفی تر از نیروی انسانی فعال، می تواند امنیت کشور را در ساحات مختلف نظامی، اقتصادی و اجتماعی تامین کند.

درغیر این صورت با پافشاری بر روند گذشته، امنیت اقتصادی و اجتماعی کشور به خطر افتاده و خدمت وظیفه عمومی، خیز به خیز علیه جمعیت کشور در حرکت است.

آن را تصویر نمی کردند. به این ترتیب، سربازی دوساله که با هدف پرورش بُعد نظامی و حس وطن دوستی و خدایپرستی افراد تعریف شده است؛ با حضور کادر غیر حرفه ای که فقط در مسائل نظامی تبحر دارند و از پرورش و تربیت بی اطلاع اند و ساختارهای تبعیض آمیز تبدیل به پرورشگاه اپوزیسیون و ناهنجاری شده است. پرورشگاهی که علاوه بر تاثیر بر کاهش کمی جمعیت، کیفیت جمعیت فعال را هم به شدت کاهش می دهد.

اولین جرم

بنابر گفته دادستان نظامی استان اراک: «در حال حاضر، فرار از خدمت سربازی بیشترین جرم ارتكابی را تشکیل می دهد که البته در سطح کشور نیز آمار همین گونه است. در موارد بعدی، ضرب و جرح عمدی، توهین به اشخاص، خسارت به اموال نظامی و مواد مخدر به ترتیب بیشترین پرونده های ارجاعی به این حوزه را شامل می شود» و به این صورت، اولین جرم بسیاری از جوانان در پادگان ها اتفاق می افتد و در صورت برخورد نادرست و برچسب های متعددی مانند سرباز فراری، اراذل و غیره بستر ارتكاب جرائم دیگر، فراهم می شود و امنیت جامعه به خطر می افتد.

کدام امنیت؟؟

طبق آمار ۴۰ درصد غایبان سربازی را اقشار فقیر جامعه تشکیل داده اند. همچنین بیشترین افرادی که به خدمت وظیفه معرفی می شوند، بازماندگان از تحصیلات و اقشار کم درآمد هستند.

با این وجود مستمری سربازی، حتی هزینه های رفت و آمد سربازان را هم پوشش نمی دهد.

ارزشمندترین سرمایه هر انسان عمر است. در اغلب کشورها تلاش می شود تا از هدر رفت عمر تا جایی که می شود جلوگیری به عمل آید. زمانی که یک تحصیلکرده کامپیوتر کار آجودان را می کند و آمار سرباز می گیرد یا موظف به جارو کشی و پاسبانی می شود و یا زمانی که برای حمل سریع یک نامه، بین ساختمان های یک

فارغ التحصیل می شوند. اگر این افراد بخواهند پس از اتمام تحصیلاتشان تازه دوران خدمت سربازی را طی نمایند و بعد به فکر ازدواج بیفتند یعنی تقریباً باید در سن ۲۷ الی ۲۸ سالگی ازدواج نمایند.

در این میان دختران، بدون وقفه به تحصیلات ادامه داده اند و با وجود فرهنگ عرفی ازدواج آنان هم با مشکل مواجه می شوند.

دختران، تحصیلات دانشگاهی تکمیلی را می گذرانند و طبق فرهنگ عرفی ازدواج و شرایط غلط؛ گذران مدارج علمی بالاتر، شانس ازدواج آنان را کاهش می دهد. همچنین طبق گفته کارشناسان اختلاف سنی پسران و دختران در سن ازدواج، قطعی است و با این روند، عده ای از مدار ازدواج خارج می شوند.

خروجی، که باعث افزایش آمار ۶۵۰ هزار دختر در سن مجرد قطعی شده و به جز تاثیر بر جمعیت، آسیب های اجتماعی بسیاری را به دنبال دارد.

پرورش گاه به جای پرورش

در حالی که آمارهای رسمی حکایت از بیکاری حدود ۱ میلیون و ۲۰۴ هزار نفر تحصیل کرده دانشگاهی دارد؛ با احتساب تاخیر دوساله و دوری از فضای حرفه ای شغلی، همچنین بخشیدن عطای مهارت آموزی به لقای کارت پایان خدمت، افت شدید کیفیت نیروی فعال جامعه را هم به همراه داشته است.

کاهش کیفیت جمعیت، تبعیض در تقسیم نیروی انسانی، تنوع فرهنگی و زیستی غیر علمی، رعب جایگاه جدید نظامی برای تحصیلکرده های شهری و برخورد نامتوازن کادر نظامی با سربازان در پادگان ها؛ بستر جدی، معضلات اجتماعی آینده را فراهم کرده است.

پادگان های نظامی تبدیل به آموزشگاه ناهنجاری هایی شده است، که بسیاری از سربازان را به چاه اعتیاد و بزهکاری سوق می دهد. سربازانی که دور از خانه و محله، برای مدت دو سال خود را در چاه ویل فرض می کنند، روی به اعمالی می آورند که شاید روزی در تخیلات هم

یوسف بیوک خان

دبیر فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

خبردار سازمان وظیفه عمومی به جوانان، مبنی بر افزایش مدت زمان سربازی به ۲۴ ماه، لרزه بر تن نخبگان کشور انداخته است. خبری که گرهِ تعویق تحصیلات، کار و ازدواج جوانان را کورت تر می کند. افزایش مدت زمان سربازی، پیام کاهش جمعیت جوان کشور را مخابره می کند. اما تلخی این پیام، خیز به خیز این روند را به نخبگان کشور نشان داده است. عامل موثر رشد منفی جمعیت در سال گذشته، زنگ افزایش مدت زمان سربازی را به صدا آورد. ناقوس کاهش جمعیت، چندسالی است که گوش فلک را برده است و تنها مسئولان متولی صدایش را نشنیده گرفته اند.

رابطه معکوس میزان جمعیت و مدت سربازی، امری اجتناب ناپذیر است.

با این که نیروهای مسلح با ارائه تسهیلات حداقلی به سرباز متاهل ها و سربازان دارای فرزند، اولین قدم های تسهیل گری این مشکل را برداشته است؛ اما در بسیاری از امور و نگاه حاکم بر بدنه ی نیروهای مسلح، مشکلات اقتصادی و اجتماعی را بر جمعیت جوان تحمیل کرده و به طور مستقیم در کاهش جمعیت موثر بوده است.

سه رکن اصلی

تحصیلات، سربازی و اشتغال، درست یا غلط، سه رکن اصلی ازدواج جوانان به شمار می روند. سربازی ایست دوساله ای است، که حیات اجتماعی پسران را به تاخیر می اندازد.

در بهترین حالت، دو سال وقفه بین تحصیلات و اشتغال، انگیزه افراد را برای تشکیل خانواده کاهش می دهد.

افراد با فرض طی سریع مدارج علمی در ۲۳ سالگی از مقطع کارشناسی و در ۲۵ سالگی از مقطع کارشناسی ارشد





آیت الله سیدابراهیم رییسی، ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران: طبق اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه، در ماجرای اوباش گردانی اخیر، آیت الله رییسی ازهمان لحظات اولیه اطلاع، به دادستان تهران دستور داده است در خصوص مصادیق تعدی از قانون و نقض حقوق شهروندی، با متخلفین اعم از بازپرس و یا مامورین برخورد شود. رئیس قوه قضائیه ضمن تاکید بر برخورد قاطع و بی امان با اراذل و اوباش، حکم به تشهیر را صرفاً در صلاحیت دادگاه و آنهم در چارچوب قوانین و مقرارت می‌داند که تعرض به متهم ولو اوباش قطعاً مجاز نیست.

از اوباش گردانی تا چالش میان

قوه قضائیه و نیروی انتظامی



پلیس اعلام کرد: «به طور صریح به شما می‌گویم زمانی که اراذل را در محل می‌چرخانند یک نفر از میان مردم به آنها گفته بود که نتیجه ظلم کردن خود را دیدید؟ که آن فرد اوباش شروع به فحاشی و توهین به وی کرد؛ مأمور ما نیز آن رفتار را انجام داد؛ اگرچه قبول داریم موارد باید رعایت شود.» فرمانده انتظامی پایتخت تصریح کرد: با اوباشی که در محله به نوامیس تعرض کرده و از مغازه‌ها و افراد باجگیری کرده و قداره در دست، خودروها و مغازه‌ها را تخریب می‌کنند نمی‌توان برخوردی مانند یک سارق داشت.

فرمانده انتظامی پایتخت در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه می‌گویند پلیس از نظر قانونی نمی‌تواند این افراد را در سطح شهر بچرخاند اعلام کرد: پلیس مسائل قانونی را رعایت می‌کند و بدون قانون عمل نمی‌کند.

ورود قوه قضائیه

با وجود دفاع تمام قد فرمانده نیروی انتظامی پایتخت از ماجرای اوباش گردانی، طبق اعلام مرکز رسانه قوه قضائیه آیت‌الله رئیسی از همان لحظات اولیه اطلاع، به دادستان تهران دستور داده است در خصوص مصادیق تعدی از قانون و نقض حقوق شهروندی، با متخلفین اعم از بازپرس و یا مأمورین برخورد شود.

رییس قوه قضائیه ضمن تأکید بر برخورد قاطع و بی امان با اراذل و اوباش، حکم به تشهیر را صرفاً در صلاحیت دادگاه و آن هم در چارچوب قوانین و مقرارت می‌داند که تعرض به متهم ولو اوباش قطعاً مجاز نیست.

تضعیف نیروی انتظامی؟!

انتشار این خبر از سوی مدیر کل روابط عمومی قوه قضائیه سبب شد تا برخی کاربران فضای مجازی این اقدام قوه قضائیه را «تضعیف نیروی انتظامی» قلمداد کنند و در اعتراض به این موضوع بنویسند: «این اقدام اشتباه جز تضعیف نیروی انتظامی کشور و روحیه دادن به اوباش و دزدان برای ادامه فعالیت خود فایده ای ندارد»

علی خالقی مدیر گروه حقوق جزای دانشگاه تهران نیز ضمن ستایش موضع آیت‌الله رییسی در قبال اوباش گردانی، در پاسخ به کسانی که این اقدامات را در سایه تشهیر در فقه، مجاز می‌شمارند گفت که در فقه نیز تشهیر تنها در برخی جرائم معین، آن هم برای محکومان پذیرفته شده، که شامل متهمان مذکور آن هم در مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌شود.

بهار اسکندری
کارشناسی حقوق

سکانس اول

در پانزدهمین روز از مهرماه ۱۳۹۹، انتشار تصاویر و فیلم‌هایی از گرداندن اراذل و اوباش به دست نیروهای ویژه انتظامی خبرساز شد و طیف وسیعی از واکنش‌ها را در فضای مجازی برانگیخت. عده زیادی این اقدام نیروی انتظامی را نقض حقوق متهمین خواندند و عده ای در مقابل با این استدلال که چنین مجازات‌هایی نقش جلوگیری کننده از جرم را دارند، مدافع این رفتار شدند.

سکانس دوم

اما صحنه ای که بیش از همه در افکار عمومی جنجال ساز شد، کتک خوردن یکی از متهمین توسط مأموران انتظامی بود که برشمار زیادی از نقدها صحه می‌گذاشت.

برخی از حقوقدان‌ها با استناد به این امر که در قانون مجازات اسلامی مطلقاً مجازاتی تحت عنوان اوباش گردانی دیده نشده و بر اساس اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

این عمل را مورد نکوهش قرار دادند. در مقابل، کسانی نیز این اقدامات را در سایه تشهیر در فقه، مجاز شمردند. (تشهیر، در فقه و مجازات اسلامی یعنی شناساندن مجرمان به جامعه و شهر.) محسن شاهین، یکی از وکلای پایه یک دادگستری نیز در این باره اعلام کرد: «جرای مجازات و برخورد قهرآمیز پلیس صرفاً شاید ارتکاب را در مدت محدودی کاهش دهد، ولی هرگز زمینه و علل را محو نخواهد کرد و حتی ممکن است، نحوه دستگیری و محاکمه این افراد باعث ایجاد حس انتقام نهفته در آن‌ها در آینده از جامعه شود.

اما از دیگر پرسش‌ها و انتقادهای در رابطه با ماجرا این بود که در شرایطی که گفته می‌شود باید جلوی هر تجمعی را برای برچیدن بساط کرونا گرفت، آیا چنین کاری حتی با فرض اثرگذاری و عدم منع قانونی لازم بود؟

پاسخ به ابهامات

در ۲۱ مهر ماه در هفتمین مرحله از طرح ظفر، سردار رحیمی درباره فیلم‌های منتشرشده هنگام چرخاندن اراذل و اوباش در محل و تأدیپ آنها توسط

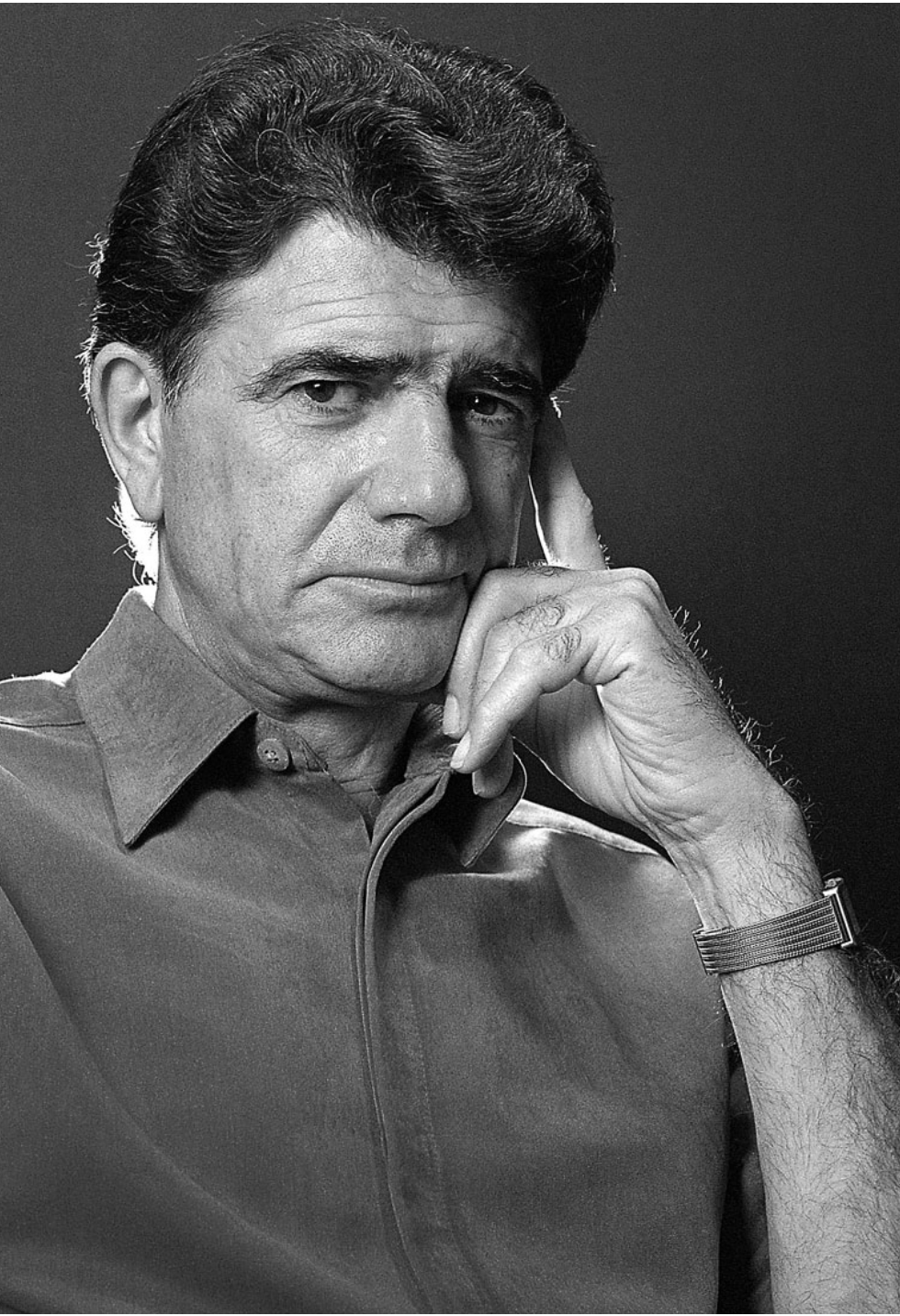
روپیمان آوردند که جو سواری می‌کنیم. و خدا می‌داند که هیچ کدام، مطلقاً، درست نمی‌گفتیم. روابط اخلاقی-انسانی بر دلالت‌های سیاسی مان پیشی گرفت و این در حالی بود که پشتوانه ای چون اخلاق سیاسی اسلامی داشتیم. به همین راحتی شکاف را پذیرفتیم و آن را درست انگاشتیم و پیروی کردیم. و هیچ گاه حس نکردیم که فرد فرد این مملکت، ایرانی و در بخشی از ما مشترک اند. به جز آنهایی که با اراده قطعی از هر چه اشتراک بود خود را طرد کردند و نقاب خیر خواهی زدند، فقط اینها و فقط اینها.

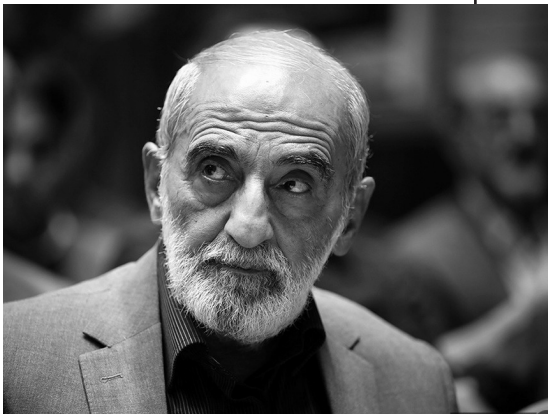
سخن از به زور چسبانیدن تکه‌های ناهمسان به یکدیگر نیست که مرزهای اصیل باوری را در هم بشکنیم. سخن از مرزهای خودساخته و بی اساس است که تنها فایده اش برای مزدوران و دشمنان خواهد بود. مرزهایی که حقایق را تحریف و از معنا خالی می‌کنند و یک جامعه متحد را روز به روز به تشتت و پراکندگی سوق می‌دهند. می‌شد با سوگواری استاد شجریان سیاسی برخورد نشود، چون آدم سیاست نبود چون اصراری بر سیاسی بودن نداشت. می‌شد جایگاه او را همانطور که بود با همان میزان اثری که در تاریخ این مرز و بوم به جای گذاشته سنجید و نشان داد. به گونه ای که نه با مبالغه و نه با کم‌رنگ کردن‌های تعمدی از آدم‌ها مترسک‌های سیاسی ساخته نشود، مردم هم همین را می‌خواستند که هر عملی سیاسی و در تضاد با نظام تلقی نشود.

فاطمه موسوی
کارشناسی روانشناسی

به رویدادی نگاه می‌کنم و این کار نه برای دست پیشی گرفتن است و نه برای «شاخ دیدی دیدی» را در چشم کسی کردن و نه برای هم‌شان کردن‌های اجباری سیاست زده، جایگاه هر کسی با آنچه می‌کند و آنچه در دل دارد و آنچه اثر می‌گذارد نوشته می‌شود و این یادداشت در مقام تفسیر چنین دنیای تو در تو نیست و این حقیر هم قاصر تر از آن که چنان کنم. هدف عقده ای است که این روزها با هر تکانه ای باز تر و باز تر می‌شود. زمانه ما را مردمی تربیت کرده که به راحتی خود را از دیگران جدا می‌بینیم راحت من و او، ما و آنها را جار می‌زنیم و به تبع در یادداشت‌ها ناگزیریم که این دسته بندی تحمیلی را بپذیریم و تحلیل هایمان، روی آجرهای کج جامعه به تریا نرسد.

در این کشور چهره‌های زیادی از هر سطح و قشر می‌روند اما آنچه می‌ماند سوء سوگواری‌های بازماندگان است. سوگواری‌هایی که با درجات پر فراز و نشیب نگاه به جبهه مقابل دارد. و امان از آن روز که بوی مقایسه و «تو چه کردی پس من چه کنم» به مشام برسد. دوربین دست گرفتیم و چرتکه انداختیم که از شجریان بگو. به رویشان آوردیم که جو سواری می‌کنند و دی ماه‌ها به





چرا دولت بی سر؟! درخواست استعفای رئیس جمهور، طرح آمریکایی است

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان:

دولت بی سر (HEADLESS GOVERNMENT) نام پروژه‌ای است که آمریکا و متحدانش با هدف تنش آفرینی و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی برای سه کشور ایران، لبنان و عراق تهیه کرده و اجرای آن را از چند ماه قبل کلید زده‌اند. با تاکید بر اینکه دولت آقای روحانی را در بسیاری از موارد ناکارآمد می‌دانیم، سؤال این است که چرا طیف‌های یادشده داخلی و دشمنان بیرونی در استعفای روحانی همصدا شده‌اند؟! کدام انسان کم‌عقلی می‌تواند باور کند که آن‌ها با انگیزه خیر و صلاح و در پی رفع مشکلات به میدان آمده و استعفای آقای روحانی را فریاد می‌زنند؟! و آیا می‌توان کمترین تردیدی داشت که آنچه طیف مورد اشاره داخلی و دشمنان قسم‌خورده بیرونی را در نقطه استعفای رئیس جمهور گردهم آورده است همان طرح آمریکایی «دولت بی سر» است؟! اکنون و بالاخره سخنی برادرانه با طیف امیدآفرین نمایندگان متعهد و انقلابی مجلس شورای اسلامی در میان است و آن اینکه آیا تصور نکرده و یا لااقل احتمال نمی‌دهید که تصمیم اخیر شما عزیزان بزرگوار برای استیضاح رئیس جمهور آب ریختن ناخواسته به آسیاب توطئه «دولت بی سر» دشمن باشد؟! تردیدی نیست که ناکارآمدی برخی از دولتمردان و بی‌توجهی دولت به مشکلات پیش‌روی مردم انگیزه شما در استیضاح رئیس جمهور است. اما، آیا برای پیشگیری از این نتیجه تلخ که خدای ناخواسته، حاصل کارتان به سبب دشمن ریخته شود نیز فکری کرده‌اید؟!

تکذیب می‌کنم!

سید محمد تحقیقی
کارشناسی مدیریت

اواخر شهریور بود که مصاحبه احمدی نژاد با رادیو فردا منتشر شد. در این مصاحبه کوتاه احمدی نژاد به عدم موافقتش با حصر سران فتنه اشاره کرد و همین‌طور نسبت به مسائل مختلف مانند انتخاب بین ترامپ یا بایدن و روابط اسرائیل و امارات و غیره موضع‌گیری‌هایی کرد که به زعم نویسندگان دیگر اهمیتی برای هیچ‌کس ندارد. او که چندی پیش نیز مصاحبه‌ای با یک خبرنگار موسیقی انجام داده بود و با صحبت‌هایی نظیر عدم مخالفتش با بازگشت خوانندگان به فرنگ رفته و... باز هم تا حدی توانسته بود نام خودش را در رسانه‌ها مطرح کند، تمام شده‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

برای بررسی چرایی این صحبت‌ها نخست باید به ۹ سال پیش برگردیم. او در اردیبهشت ماه سال ۹۰ که با قهر ۱۱ روزه‌اش به دلیل ایستادگی رهبری در مقابل عزل مصلحی (وزیر وقت اطلاعات)، بخش عمده‌ای از اعتبار و محبوبیتش را نزد جوانان حزب الهی و انقلابی از دست داد و با کارهای نامتعارفی از قبیل دعوا با لاریجانی در مجلس روز به روز جایگاهش نزد این قشر افول پیدا کرد. این مسئله ادامه دار بود تا سال ۹۶ که علی‌رغم مخالفت علنی رهبری با بازگشت رئیس جمهور سابق به عرصه قدرت و کاندید شدن برای انتخابات دور دوازدهم، او به وزارت کشور رفت و



روحانی متشکریم

محمد امین مهرعلی تبار
کارشناسی حقوق

گاهی با خودم می‌گویم ای کاش «حرف»، مفت و رایگان نبود. ای کاش کالایی بود که برای استفاده از آن باید بهایی پرداخت کرد. اینگونه خیلی از مشکلات حل می‌شد. مشکل دروغ‌گویی، مشکل وعده‌سر خرمن‌دادن، مشکل توجیه‌کردن، مشکل آدرس‌غلط دادن و صدها مشکل دیگر که اگر حرف، مفت نبود حل می‌شدند...

و این مسئله از همه بیشتر در بین مسئولین ما رائج است که روزی یک‌طور حرف می‌زنند و روز دیگر، طور دیگر. تاریخ از یاد نمی‌برد که سال ۹۲ و در جریان انتخابات ریاست جمهوری آن سال، آقای روحانی قسم جلاله خورد و گفت که والله اگر مشکلات کشور راه حل نداشت، کاندید نمی‌شدم! بزرگواری که ادعا می‌کرد کلید حل مشکلات را در جیبش دارد و با قابلیت ویژه‌ای که در بلد بودن زبان دنیا دارد، می‌تواند با تعامل و مذاکره با کدخدا، تمام مشکلات مردم را حل کند؛ حتی مشکل آب خوردن مردم را!

حال با آن وعده‌های سرخرمن، هفت سال از عمر دولت سپری شد. هفت سالی که صرف میوه‌دادن درخت برجام شد. ولی میوه‌ای نداد که نداد. حتی آب سنگین اراک را که حاصل خون دل‌های شهدای دانشمند ما بود، به پای این درخت عقیم ریخت؛ ولی فایده نداشت. ذات این درخت بی‌ثمر بود؛ انسان کاج‌بکارد و انتظار گلابی‌دادن از آن داشته باشد؟! آنقدر این واقعه برای دولتمردان دردآور بود که در این ایام، دیگر هیچ‌کدام از پدرخواندگان این فرزند در چنین مرده، حتی فاتحه‌ای هم برایش نمی‌خوانند. اشتباه آنجا رخ داد که تمام امورات کشور پیوند خورد به برجام و امضای فریبکاران آمریکایی و دوست نمایان اروپایی شد تضمین. اشتباه آنجا رخ داد که دولت طرح جایگزینی برای پیشبرد امور کشور پیش‌بینی نکرد. دولت اینجا آدرس را اشتباه رفت.

هفت سال به همین منوال گذشت و حال در سال آخر دولت افسرده‌تدبیر و امید، رئیس‌جمهور از مردم می‌خواهد که لعن و نفرین خود را به آدرس کاخ سفید پست کنند. چرا که تمام مشکلات ما زیر سر آمریکاست! طرفند خوبی برای فرار از پاسخگویی ست! در چهار سال اول، تمام مشکلات زیر سر دولت قبل است و در چهارسال دم هم زیر سر قدرت‌های خارجی...

آقای روحانی میگوید که برای مشکلات کشور آدرس غلط ندهید. اما این آدرس آقای روحانی ست که غلط است. ایشان همان اول هم با همین ادرس شروع به حرکت کردند. روحانی آمریکا را هم مسئول مشکلات می‌دانست و می‌داند، و هم مرجع راه حل برون رفت از مشکلات می‌دانست و همچنان می‌داند. آقای روحانی کلید حل مشکلات را در خارج می‌جست. در حالی که در طول این سال‌ها، هم رهبری معظم

انقلاب و هم دیگر دلسوزان کشور، بارها هشدار داده بودند که کلید حل مشکلات در داخل کشور است. ولی کو گوش شنوا! با ریسمان پوسیده‌ای به چاه مذاکره با شیطان رفتند که پیشینیان هم رفته بودند و زخمش را هم خورده بودند. تاریخ همین است. از آن عبرت‌گیری، محکوم به تکرار و تجربه دوباره آن هستی...

و حال ما ماندیم و رئیس‌جمهوری که همه مشکلات

ثبت نام کرد. این قبیل اقدامات نشان از این داشت که احمدی نژاد ۸۴ تا ۸۸ به تاریخ پیوسته است و دیگر از آن مرد مقتدر که وقتی در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا صحبت می‌کرد هزاران نفر او را تشویق می‌کردند خبری نیست. این افول در مواضع و اقدامات، بالطبع جایگاه احمدی نژاد را نزد حامیان گذشته‌اش تنزل میداد و او میبایستی برای بازگشت به قدرت فکر جدیدی را در سر می‌پروراند. اما عملکرد سه سال اخیرش نه تنها جایگاهی برای او نزد روشنفکران دست و پا نکرده؛ بلکه واکنش‌های به شدت منفی آنان در فضای مجازی در قبال مواضع نسخه جدید احمدی نژاد نشان میدهد او بیش‌تر در چاهی که سال ۹۰ برای خود کنده فرو می‌رود.

مضاف بر این توبیت‌های عجیب و غریبش مانند تبریک تولد مایکل جکسون (ستاره سابق بسکتبال آمریکا) یا تسلیت مرگ کوبی برایانت و مرگ رپر آمریکایی بیش‌تر دستمایه خنده مردم در فضای مجازی می‌شود. در کل به نظر می‌رسد احمدی نژاد نه تنها شانس برای تبدیل شدن به اولین رئیس‌جمهور تاریخ که دوباره به جایگاهش برگشته را ندارد، بلکه تفاوت‌های بنیادینش نسبت به دوران ریاست‌عملا احتمال این که او را یک فعال سیاسی موثر بر افکار عمومی بدانیم را نیز از بین میبرد. در پایان نگارنده بر این باور دارد که بهتر است سخنان احمدی نژاد را دیگر جدی نگیریم و به مسائل مهم‌تری بپردازیم!



و معضلات حال کشور را گردن هر کسی و هر نهادی غیر خودش می‌اندازد و آنقدر از خودش مطمئن است که حتی حاضر نیست یک عذرخواهی کوچک‌هک از مردم بکند. مردمی که به وعده‌های زیبا و دلفریب دولت چشم‌امید بسته بودند و حال از رأی خود پشیمان هستند! حال ما ماندیم و رئیس‌جمهوری که مجبوریم تا ۱۴۰۰ او را تحمل کنیم. واقعا متشکریم روحانی!!!.

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور سابق آمریکا:

رئیس‌جمهور سابق آمریکا بامداد روز پنجشنبه (به وقت تهران) در سخنرانی در حمایت از نامزدی «جو بایدن» برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به انتقاد از «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا پرداخت. وی که در شهر «فیلادلفیا» در ایالت پنسیلوانیا صحبت می‌کرد، گفت: «ترامپ به هر کسی که از وی حمایت نکند توهین کرده یا آنکه وی را به زندان تهدید می‌کند. این رفتار عادی یک رئیس‌جمهور نیست.»

رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ادامه گفت: «دروغ و اتهام‌زنی بخشی از مدیریت ترامپ و معاونانش شده و باید با مشارکت گسترده در انتخاباتی آتی هیچ‌گونه جای تردیدی باقی نماند.»
وی اضافه کرد: «این شرم‌آور است که زمانی که مردم به بیمه درمانی نیاز دارند، آن را از آنها بگیرد. ترامپ قادر به جدی گرفتن کار نیست. اگر کسانی که قرار است رهبران ما باشند هر روز دروغ بگویند، دموکراسی ما کارایی نخواهد داشت.»

جنگ قدرت بر سر عروس خاورمیانه



در تشدید این وضع، موجب شکل‌گیری اعتراضات مردمی شد. برخی احزاب سیاسی لبنان خصوصا ائتلاف ۱۴ مارس سعی در مقصر جلوه دادن حزب الله و ایران داشتند اما احزاب سیاسی حامی مقاومت، فسادهای مالی و همچنین دخالت کشورهای غربی را موجب وضع به وجود آمده میدانستند. تحریک مردم توسط گروه‌های سیاسی علیه دولت وقت در لبنان که حمایت گروه‌های شیعه را در اختیار داشت سبب شد که مردم با حضور در خیابان‌ها خواستار سقوط دولت و تغییر در وضع معیشتی خود شوند. با شروع همه‌گیری ویروس کرونا این اعتراضات کمرنگ شد اما با انفجار بندر بیروت و موج احساسی بعد از آن و همچنین متهم کردن حزب الله به نقش داشتن در این حادثه، اعتراضات از سر گرفته شد. حضور امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه در بیروت بعد از حادثه انفجار و سخنان تحریک‌آمیز او موجب شد که تحولات در لبنان با سرعت بیشتری رخ بدهد و درگیری‌ها بین گروه‌های سیاسی بیشتر شود. مکرون با دادن ضرب‌العجل به گروه‌های لبنانی و دخالت آشکار در مسائل داخلی این کشور خواستار تغییر در وضع کنونی شد. این تنش‌ها تا جایی پیش رفت که بعد از استعفای تعدادی از وزرا و نمایندگان پارلمان، حسن دیاب نخست‌وزیر لبنان ۳ روز بعد از سفر مکرون و در اثر تظاهرات گسترده خیابانی استعفای دولت را اعلام کند.

در این میان دولت آمریکا با تهدید احزاب سیاسی این کشور به قرار گرفتن در لیست تحریم در صورت همکاری با حزب الله و سایر گروه‌های حامی مقاومت سعی دارد نقش فرانسه را در اصلاح سیاسی لبنان کمرنگ کند تا این اصلاحات را به سمت دلخواه خود هدایت کند و همین امر موجب شد که نخست‌وزیر بعدی لبنان، مصطفی‌ادیب بعد از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های خود در تشکیل کابینه جدید و مذاکرات با احزاب سیاسی استعفای خود را اعلام کند. با وجود حمایت گروه‌های شیعه از طرح پیشنهادی فرانسه برای اصلاح ساختار سیاسی در لبنان، به نظر نمی‌رسد که با دخالت کشورهای خارجی و همچنین سهم‌خواهی بیشتر بعضی احزاب سیاسی به زودی شاهد تشکیل دولتی مقتدر در لبنان باشیم و این امر در شرایط اقتصادی موجود خصوصا بعد از انفجار بیروت شرایط را برای مردم این کشور سخت‌تر خواهد کرد.

وجود آمده از موج احساسات مردم استفاده و آن را به سمت دلخواه خود جهت‌دهی کنند.

گروه‌های سیاسی لبنان در سال ۱۹۸۹ در اتفاقیه‌ای تحت عنوان طائف، پس از جنگ خانمان سوز داخلی توافق کردند که قدرت سیاسی در کشور به طور مساوی بین گروه‌های مختلف تقسیم شود. به همین ترتیب بود که کرسی ریاست جمهوری به مسیحیان، نخست‌وزیری به اهل سنت و پارلمان به شیعیان رسید و بنا بر این بود که وزارت‌خانه‌ها و کرسی‌های مجلس نیز به شکل مساوی بین مذاهب و طوائف مختلف لبنانی تقسیم شود.

قره‌باغ؛ آتش زیر خاکستر



بعدتر با ورود نهادهای بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل متحد، ارمنستان رسماً توسط این سازمان‌ها اشغالگر شناخته شد. تا جایی که به طور کلی می‌توان گفت همه‌ی چهار قطع‌نامه‌ی تصویب شده در سال ۱۹۹۳ – اعم از قطع‌نامه‌های ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۷۴، ۸۸۴ – بر خروج کامل نظامیان ارمنی از منطقه قره‌باغ تأکید داشت.

این قطع‌نامه‌ها با سرباز زدن طرف ارمنی و به پشتوانه لابی‌های سیاسی منطقه‌ای، مسکوت ماند و عملی نشد و در طول تمام ۲۷ سالی که از ماجرا می‌گذرد این درگیری‌ها در مناطق مورد مناقشه ادامه داشت تا اینکه هفته گذشته و از ساعات ابتدایی روز ۲۷ سپتامبر، این بار بر خلاف تاریخ معاصر این منطقه، جمهوری آذربایجان درگیری را شروع کرد که توسط این کشور به پایان اشغالگری ارمنستان تعبیر می‌شود. این بار اما طبق مقدمه پیش‌گفته شرایط بسیار متفاوت از آن چیزی‌ست که در ۱۹۸۸ بوده است، طبق اخبار روزانه طرفین درگیر این‌بار نقش گروه‌های خارجی در این منازعه بیش از پیش به نظر می‌رسد

رسانه‌های ارمنی و اروپایی از حضور نیروهایی مثل ارتش آزاد سوریه، لشکر حمزه و دیگر گروه‌های تروریستی سوری در صف ارتش آذربایجان خبر می‌دهند. در مقابل نیز سازمان اطلاعات جمهوری آذربایجان (MTN) ادعاهایی مبنی بر حضور نیروهای پ‌ک‌ک و پژاک در بین نیروهای ارمنی در قره‌باغ مطرح کرده است. ادعاهایی که تقریباً هر دو طرف به نوعی منکر واقع بودن آن‌ها در میدان جنگ هستند.

حالا باید دید در میانه این بلبلیشوی منطقه‌ای، دولت ایران که موضع او همواره حاکی از حمایت همه‌جانبه از صلح در منطقه قره‌باغ و تأکید بر آزادسازی خاک‌های اشغالی آذربایجان بوده است چه نقشی را در حل این مناقشه و جلوگیری از تنش‌افزایی آن خواهد کرد؟ تنش‌ی که اگر سر و پا بگیرد ایران را به عنوان همسایه مشترک دو طرف درگیر، در تنگنای سیاسی اجتماعی خاصی قرار خواهد داد.

محمد کاشانی
کارشناسی حقوق

در ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ انفجار ۲۷۵۰ تن آمونیوم نیترات در بندر بیروت باعث به وجود آمدن یک تراژدی بزرگ در تاریخ لبنان شد. کشته شدن بیش از ۲۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۷۰۰۰ نفر در این حادثه، صحنه دردناکی را برای همه لبنانی‌ها رقم زد. همین امر موجب آن شد که برخی گروه‌های سیاسی داخلی و دولت‌های خارجی با استفاده از فضای به

علی پورمند
کارشناسی حقوق

حالا تقریباً چیزی حدود ده روز از شعله‌ور شدن مجدد آتش زیر خاکستر مناقشه قره باغ می‌گذرد.

اما این بار شرایط سیاسی منطقه قفقاز و غرب آسیا، دارای شرایطی متفاوت نسبت به شروع این مناقشه در سال‌های پایانی دهه ۸۰ میلادی‌ست. اسراییل تبدیل به بازیگر اساسی فتنه‌های منطقه شده، سعودی‌ها در پی ایجاد رویه‌ای متفاوت از قبل در سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای شان هستند، در کشورهای حوزه خلیج فارس داعش سر برآورده و در نهایت اردوغان در پی داعیه داری خلافت اسلامی ست. شرایطی که از ظواهر آن نیز پیداست در صورت کوچک‌ترین حرکت اشتباهی از سمت دولت‌های منطقه ای می‌تواند آن‌ها را در نقطه تمرکز فشارهای سیاسی و بین‌المللی قراردهد. اما قصه این‌بار از چه قرار است؟ مناقشه جدید این بار، هفته پیش در ساعات ابتدایی روز ۲۷ سپتامبر (۶ مهر) ۲۰۲۰ با تبادل آتش در خط تماس نیروهای آذربایجانی و ارمنستانی شروع شد. بعدتر حملات هوایی طرف آذربایجانی ادامه یافت و با به درازا کشیدن حملات، تقریباً همه مطمئن شدند که آتش زیر خاکستر قره باغ گویا دوباره شعله ور شده است.

پیشینه تاریخی این درگیری را می‌توان به سال‌های پایانی دهه هشتاد میلادی مربوط دانست. در سال ۱۹۸۸ بود که ارمنستان تلاش کرد با جبهه بندی نیروهای ارمنی مقیم قره باغ و ارتش ارمنستان رسماً اقدام به اشغال قره باغ و بعدتر الحاق آن به جمهوری ارمنستان کند. در طی این جنگ خونین که به موازات آن فاجعه‌هایی مثل فاجعه خوجالی (۱۹۹۲) نیز رخ دادند، چیزی حدود ۳۵۰۰۰ نفر کشته شده و بالغ بر هشتصد هزار نفر در مناطق مورد مناقشه آواره شدند.

است را در راستای منافع ملی کشورمان به کار بگیرد. مهمی که به لطف دستگاه دیپلماسی کشورمان تقریباً در چند سال اخیر توانسته با نمره قبولی نسبتاً خوبی، محقق شود. حالا باید منتظر بود و دید که این درگیری‌ها این بار قرار است نقطه‌ای بر پایان قصه قره باغ باشند یا نه صرفاً آوردگاهی برای جنگ نیابتی نیروهای منطقه‌ای؟



◆ عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل ◆

سید مهدی اسم حسینی	
کارشناسی علوم سیاسی	

عربستان، قطر، بحرین و امارات بیش از ۳۰ سال است که با اسرائیل ارتباط جدی دارند و این موضوع اتفاق تازه‌ای نیست. گفته می‌شود قطر و اسرائیل اتاق‌های بازرگانی مشترک دارند. در رابطه با جنگ ۳۳ روزه نیز اعلام شد که سوخت جنگنده‌های اسرائیلی توسط عربستان سعودی تامین شد. اما نکته خاص این اتفاق، آشکارسازی آن است. حدود ۲۵ سال بعد از اینکه مصر، اردن و مراکش به عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرداختند و سفارتخانه‌های دو طرف بازگشایی شد، این برای نخستین‌بار است که عادی‌سازی به صورت آشکارا انجام می‌گیرد.

با سلسله حوادثی که پس از عادی‌سازی روابط مصر و دو کشور دیگر با اسرائیل رخ داد، دیگر کشوری حاضر نبود هزینه‌ای برای عادی‌سازی آشکار بپردازد. موضوعات غزه، لبنان و بیداری اسلامی نیز به این کشورها اجازه نمی‌داد که در بحث عادی‌سازی اقدام آشکار انجام بدهند. بیداری اسلامی، موضوعات صلح و عادی‌سازی روابط را به حاشیه راند.

از این رو، این اتفاق یک پیروزی برای رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید. ترامپ عادی‌سازی روابط امارات و کشورهای عربی با اسرائیل را معاهده ابراهیم نام گذاشته است. □ابراهیم □اشاره‌ای به این موضوع دارد که مسلمانان و یهودیان، هر دو فرزندان اسحاق و ابراهیم هستند. در واقع به آن وجه تاریخی نگاه دارد، تا عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی را پوشش دهد. عادی‌سازی روابط برای رژیم صهیونیستی و نه امارات یک پیروزی بزرگ است؛ چرا که موجودیت اسرائیل وابسته به عادی‌سازی روابط است. این رژیم پس از مدت‌ها تلاش توانسته یک کشور را آشکارا با خودش همراه سازد. ضمن اینکه گفته می‌شود کشور عمان هم اعلام کرده در آینده به عادی‌سازی روابط خواهد پرداخت. البته به نظر می‌رسد عمان در حال بررسی شرایط است و در صورتی که این عادی‌سازی هزینه‌هایی برای امارات نداشته باشد، آن کشور نیز عادی‌سازی خواهد کرد.

سران قدیمی کشورهای عرب به دلیل بدنامی که برایشان داشت آشکارا به آمریکا تکیه نمی‌کردند، اما نسل جوان سران کشورهای عربی که در راس آن محمد بن سلمان است دیگر آن هراس بدنامی را ندارند، آشکارا به غرب تکیه می‌کنند. امارات هم به آشکار کردن عادی‌سازی روابط با اسرائیل می‌پردازد. از این رو به نظر می‌رسد که آشکارساختن عادی‌سازی روابط با اسرائیل ادامه پیدا خواهد کرد. البته این موضوع ارتباط مستقیمی با عملکرد جمهوری اسلامی ایران دارد؛ چراکه ایران قدرت منطقه‌ای است.

عادی‌سازی روابط نه تنها بر محور مقاومت اثر نخواهد داشت، بلکه محور را رادیکال‌تر خواهد کرد. رژیم صهیونیستی در مقابله با حماس هرگاه که به بن‌بست می‌رسید، از نفوذ عربستان و دیگر کشورهای عربی برای مهار حماس استفاده می‌کرد. حال اگر کشورهای عربی به عادی‌سازی بپردازند، دیگر آن نفوذ را نخواهند داشت و حماس و دیگر گروه‌های مقاومت آزادتر عمل خواهند کرد. البته امارات در این رابطه نقش آن‌چنانی ندارد و اقدام امارات بیشتر تعریف وضعیت با ایران است، اما اگر عربستان، عمان و قطر در ادامه به عادی‌سازی روابط بپردازند، محور مقاومت رادیکال‌تر خواهد شد.

امارات از عادی‌سازی روابط به دنبال تعریف وضعیت خود با ایران است، اما به اشتباه در حال متمایل ساختن هرچه بیشتر برخی از گروه‌های محور مقاومت به ایران است. به هر حال برخی از گروه‌های محور مقاومت روابطی با کشورهای عربی دارند که عادی‌سازی روابط، ارتباط گروه‌های مقاومت با آنان را قطع خواهد کرد و آنان بیشتر به ایران تکیه خواهند کرد و توازن قوا به هم خواهد ریخت.

مهم‌تر از همه این‌ها اتفاقاتی است که در سال‌های آینده ان‌شالله رخ خواهد داد و آرایش سیاسی منطقه را تغییر می‌دهد. رخ دادن این اتفاقات، بزرگ‌ترین هزینه برای امارات و دیگر کشورهای در ارتباط با اسرائیل خواهد بود. نخست موضوع ادلب در سوریه، دوم جنگ یمن و سوم خروج آمریکا از عراق است. هر سه موضوع اگر به نفع محور مقاومت به پایان برسد که تاکنون در این مسیر پیش می‌رود، این کشورها ضربه‌های سختی دریافت خواهند کرد.

ایران و روسیه تلاش می‌کنند تادر انتخابات آمریکا مداخله کنند

«جان راتکلیف» مدیر اطلاعات ملی آمریکا:

مدیراطلاعات ملی آمریکامدعی شد که ایران و روسیه تلاش کردند تادرانتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکامداخله کنند. وی که در کنفرانس خبری درباره موضوع امنیت انتخابات ریاست جمهوری صحبت می‌کرد، افزود: «ایران و روسیه بخشی از اطلاعات مشارکت کنندگان درانتخابات ریاست جمهوری آمریکا را در اختیار دارند.»

این مقام آمریکایی در ادامه ادعاهایش گفت که تهران اقدام به ارسال ایمیل‌هایی به مشارکت کنندگان در انتخابات با هدف ارباب آنها، شعله ور کردن ناآرامی‌های اجتماعی و آسیب رساندن به «دونالد ترامپ» رئیس جمهور کنونی آمریکا کرده است. راتکلیف گفت که ایران پشت فیلم ویدئویی است که نشان می‌دهد افراد می‌توانند رای تقلبی خود را حتی از خارج کشور بدهند

مقامات آمریکایی پیش از این نیز بارها مدعی شده‌اند کشورهایی همچون روسیه، چین و ایران در تلاش هستند در انتخابات ریاست جمهوری ماه آینده آمریکا مداخله کنند.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا که از زمان به قدرت رسیدن، کشورش را وارد جنگ تجاری با چین کرده است، مدعی شده در حال حاضر تمرکز رسانه‌ها باید بر روی چین باشد و روسیه نقش چندانی در این مسئله ندارد.

◆ توکز محنت دیگران بی غمی ◆



جهان چیست؟ آیا نصیب آنها از این جهان باید تنها ترس و اضطراب و وحشت پی‌درپی باشد؟ آیا آنها حق ندارند در این چند صبحی که مهمان این جهان فانی هستند با شرافت و کمالی در حد انسان زندگی کنند؟

آن هم اگر بخت با آنها یار باشد و در همان آغاز مسیر، به سرنوشت "حمدها" دچار نشوند. نکته‌ی اصلی سخن ما این است که اساساً کودکان نباید قربانی درگیری‌ها باشند فارغ از ملیت و نژاد و زبانشان. مگر نه اینکه ما مسلمان‌ها عقیده داریم انسان خلیفه‌ی خداوند در زمین است و غیر مسلمان‌ها هم به فراخور تفسیرهایی که از جهان هستی دارند، انسان را در محوریت عالم می‌دانند؟

پس این چگونه خلیفه‌ای است؟ آیا لیاقت محور عالم هستی بودن این است؟ مگر اینکه کودکان متولد شده یا درگیر در جنگ‌ها را خارج از نوع انسان بدانیم که هرکس چنین ذهنیتی داشته باشد قطعاً خودش فاقد روح انسانی است و در واقع حیوانیست که در کالبد انسان‌ها رسوخ کرده.

باید برای جهانی که سالیانه هزاران کودک بی‌گناه در آن اینچنین به کام مرگ فرستاده می‌شوند اشک ریخت اما برای مردمانی که نسبت به این وقایع چشم‌پوشی می‌کنند و خود را به ندانستن می‌زنند حتی به پهنای صورت خون گریستن هم کافی نیست!

به راستی چطور توانستیم نسبت به این قبیل فجایع تا این حد بی‌تفاوت باشیم؟

اما چاره چیست و چه کاری از دست ما بر می‌آید؟ مسلماً سکوت و چشم‌پوشی نسبت به این قضایا نمی‌تواند راه حل درستی باشد. شاید تنها راه حل این ماجرا را باید از زبان مردمانی شنید که خود هیچ‌گاه مقابل ظلم و جور سکوت نکرده‌اند! امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر انسان‌ها را چنین توصیف می‌کنند: «فَأَنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَوْ لَكَ فِي الدِّينِ

یا إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخُلُقِ.» (آنها دو دسته هستند، یا برادر تو به واسطه دینت‌ان هستند یا در آفرینش هم‌تا و همانند تو هستند.) بدون شک این حجم از تأکید بر ایجاد حس همبستگی و همدردی بین مردم در کلام امیرالمؤمنین بی دلیل نبوده است.

روزی که انسان‌ها به اینچنین دیدگاهی برسند می‌توان امید داشت که دیگر نه فقط کودک‌کشی بلکه حتی تمام ظلم‌ها و ستم‌ها نابود خواهند شد؛ روزی که حداقل ما شیعیان به واسطه سخن مولایمان و دیگر پاره‌های تن مسلمان ما به واسطه‌ی سخن خلیفه‌یشان تنها بر اشتراکات و عوامل وحدت پافشاری کنیم، نه بر تفاوت‌ها و دسته‌بندی‌های بیپهوده که در طول تاریخ به جز خصومت و اصطکاک و فرسایش توده‌ها دستاورد دیگری نداشته است، آن هم نه فقط بین خودمان و هم‌دین‌هایمان بلکه بین خود و هر انسان به ما هو انسان دیگری.

روزی که بشریت برای نوع انسان فارغ از هر صفت اضافه‌ای ارزش و کرامت قائل شود روز پیروزی نهایی بشریت خواهد بود. روزی که من ایرانی نسبت به ارسال کمک های بشر دوستانه کشورم به سرزمین‌های جنگ‌زده جبهه نگیرم، روزی که من مسلمان نسبت به ظلم‌هایی که به یهودیان یا مسیحیان می‌شود هم همان واکنشی را نشان بدهم که اگر آنها هم کیش من می بودند نشان می‌دادم، روزی که هر انسانی را هم‌خلقت و هر کودکی را پسر یا دختر خودمان ببینیم، کاری که از دست ما بر می‌آید اشاعه و توسعه‌ی چنین دیدگاه‌هایی است، کاری که از ما بر می‌آید در آغاز اصلاح شخصیت خودمان و در قدم‌های بعدی اصلاح خانواده و جامعه‌یمان است.

به امید اینکه بتوانیم با عزمی جهانی هر چه سریع‌تر با کمک هم این روزها را بسازیم نه اینکه صرفاً منتظر بمانیم که خودشان خودبه‌خود ساخته شوند.

دردسرهاى عظيم



ميلاد مفاخرى

عضو کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چرا مالیات در ایران همواره به موضوعی پیچیده تبدیل شده است؟

عوامل گوناگونی در این امر دخیل بوده و هست اما آنچه در این گزارش قصد واکاوی آن را داریم بررسی سازگار سنتی دریافت مالیات در ایران است، چرا که باعث افزایش انگیزه آن دسته از گروه‌هایی می‌گردد که به دنبال فرار مالیاتی‌اند و از طرفی باعث به شمار افتادن بی‌مسئولیت‌کنندگان و آن گروه از مودیان مالیاتی است، که با پرداخت شفاف مالیات در حال کمک به تولید و ارائه خدمات هستند.

ما به راستی چگونه سازکار دریافت سنتی مالیات می تواند باعث ضربه زدن به روند تولید و مهم تر از آن جهش تولید در شرایطی شود که کشور به شدت به رونق و جهش تولید نیاز دارد؟ بخش قابل توجهی از اندک مالیات محقق شده کشور به صورت علی الراس تعیین می گردد. مالیات علی الراس مالیاتی است که مبنای محاسبه آن به جای اسناد و مدارک مودی، قرائین و ضرایب مالیاتی است.

دلیل این اتفاق سنتی بودن سیستم ها و فرایندهای تشخیص وصول مالیات یعنی عدم استفاده از صندوق های مکانیزه فروش برخط متصل به سازمان مالیاتی، عدم پرداخت مالیات به صورت برخط یا عدم استفاده از فاکتور الکترونیک در مالیات ستانی است که فشار را بر بخش های رسمی و قابل رصد بیشتر می کند. همچنین عدم تکمیل و خشنی راه اندازی سیستم های هوشمند مالیاتی به ادامه روند روش های سنتی منجر شده است.

از سوی دیگر این سنتی بودن روش‌ها که به‌علی‌رأس تعیین شدن مالیات‌ها منجر می‌شود، باعث گسترش فساد اعم از تبانی مودی با ممیز مالیاتی، افزایش انگیزه فرار مالیاتی، کم‌اظهاری و فشار بر مودیان شفاف می‌انجامد. در ادامه این مسیر پر فراز و نشیب، فرایند ناهمبند دادرسی مالیاتی را هم باید اضافه کرد برای درک اهمیت این گذاره صرفاً کافی است بدانیم که ۵۰ درصد از از درمدهای مالیاتی صرفاً از طریق طی مراحل دادرسی مالیاتی محقق می‌شود. این مسئله تأکیدی بر سنتی بودن، غیر شفاف بودن و معیوب بودن روند مالیاتی کشور است، چرا که اگر روندها درست شکل می‌گرفتند طبیعتاً نیازی به عبور این مقدار از حجم مالیات در مراحل دادرسی مالیاتی نبود.

به این توضیح این مورد هم باید اضافه نمود که روند دادرسی مالیاتی پیچیده، زمان بر، ناعادلانه و غیر کارا بوده که نتیجتاً منجر به به تبعات منفی همراه با فساد می شود. از طرفی عدم استقلال نهاد حل اختلاف مالیاتی که منجر به مخدوش بودن داورى منصفانه می شود؛ از دیگر مشکلات روند سنتی مالیات در کشور است. همه این ضعف ها در کنار عدم تخصصی بودن فرایندهای دادرسی باعث غیر کارا تر شدن نظام مالیاتی را در گزاره مورد بحث گریه است.

فرار از معضلات کلان نظام مالیاتی کشور که به آن اشاره شد فرایند تعیین دریافت مالیات بر ارزش افزوده نیز باعث گردیده تا مشکلاتی نسبتاً جدی برای بخش تولید ایجاد شود. به عنوان مثال فاصله زمانی بین پرداخت مالیات و دریافت منابع فروش در معاملات تسهیله یکی از اهم مشکلات در در فرآیند تعیین و دریافت مالیات بر ارزش افزوده است.

حسابداری تعهدی (روش حسابداری است که رویدادهای اقتصادی با تطبیق آمد با هزینه در زمان معامله انجام می شود و نه زمانی که پرداخت یا دریافت شده به دست می آید) بعنوان مبنای حسابداری در قانون مالیات ارزش افزوده منجر به بروز مشکلاتی برای معاملات نسبی شده است، معاملاتی که معمولاً در سطح کلان و عمده انجام میشوند. تاریخ تعلق مالیات تاریخ صدور صورتحساب (ثبت در دفاتر) است؛ یعنی پس از صدور صورتحساب، مالیات ارزش افزوده بر معامله مذکور تعلق می گیرد. طرفین معامله باید تکالیف قانونی خود را انجام دهند. در قانون مالیات ارزش افزوده تمایزی میان تاریخ تعلق مالیات و تاریخ پرداخت مالیات به سازمان امور مالیاتی وجود ندارد.

در کنار همه گزارش‌های مطرح شده یک سوال در ذهن نگارنده رادر حین تحقیق جهت نگارش این متن به خود درگیر کرد و آن سوال این است: آیا مسئولان مربوطه به نظام مالیاتی کشور و تصمیم‌سازان این حوزه نواقص و خلایای موجود اطلاعی ندارند؟

در پاسخ به این سوال می‌توان گفت مسئولان مربوطه اطلاع کافی از این نواقص دارند، چرا که به عنوان مثال آقای پارسا رئیس سازمان مالیاتی کشور در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۹ گفت: نظام مالیات هوشمند در حقیقت مقصد و پایان راه مدرن‌سازی نظام مالیاتی است. در نظام مالیاتی هوشمند، همه ریز داده‌های اطلاعاتی افراد در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد و سازمان امور مالیاتی کشور براساس این اطلاعات دقیق و شفاف، از افراد مالیات اخذ می‌کند.

به‌کار بخش دیگری از مصاحبه خود می‌گویند: البته نظام هوشمندسازی، فرایند و مزایای پرشماری برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. برای مثال هم اکنون با تکیه بر اطلاعات طرح جامع مالیاتی، امکان حذف شیوه تشخیص علی‌السراس از نظام مالیاتی فراهم شده است. شیوه‌ای که همواره بحث‌ها و مسایل زیادی پیرامون خود داشته و نبود اطلاعات شفاف از مبادلات اقتصادی افراد، سازمان امور مالیاتی ناگزیر به اجرای آن بود.

۲۴ ماہگی

حتی زنان نیز در کشوری مانند رژیم اشغالگر قدس به سربازی می‌روند. برخی بر این باورند که اجبار نمی‌تواند ذاتاً مقدس باشد و بر این نکته تأکید دارند که می‌توان با توجه به شرایط امروز کشور که از توان دفاعی بالایی برخوردار هستیم، و از قدرتهای اصلی منطقه محسوب می‌شویم، تغییر در سیاست‌های خدمت سربازی صورت بگیرد و توان خود را در موضوعات دیگر متمرکز کنیم. در طول تاریخ هر بار که خاک دشمنان مورد تعرض و تهدید قرار گرفت، یا جوانان می‌پویندند که غیرتشان جوشید و بیا دست پر و خالی سینه‌پاشان را مقابل تیرهای کینه دشمنان سیر کردند و با خونشان خاک سرزمینشان را مقدس تر از همیشه نمودند. مشکل ما آموزش نظامی نیست. مشکل ما ممنوع چیز کردن است. در زمان که جنگ تحمیلی است آموزش نظامی و گزrandن دوره نظامی واجب است. اما امروز جنگ اقتصادیست که طبق فرمایشات مقام معظم رهبری «دشمن ما اتاق جنگ را برده است در وزارت خزانه‌داری؛ [اتاق جنگ علیه ما به جای وزارت دفاع، وزارت خزانه‌داری آنها است] این درحالیست نظام سربازی ما به جای مهارت زایی، بهترین زمان یک فرد در بهترین دوره را می‌گیرد و به آنها تمرین مهارت زدایی آموزش میدهد!!! خیلی‌ها که مشغول تحصیل بودند بعد از دوره دوساله خیلی از مطالبی را که یادگرفته‌اند را فراموش کردند یا خیلی‌ها کسب و کار خود را از دست میدهند زیرا به جای استفاده از علمشان باید سر برچک بایستند و در امن ترین نقاط کشور نقش یک دوربین مدار بسته ۱۲مگاپیکسلی را انجام دهند. یا خیلی خوشانش باشند به عنوان سرباز در چهارراه و لیعصر هر ۴دقیقه یکبار چراغ راهنمایی را سبز و قرمز کنند و ثانیه ثانیه ای که از عمرشان تلف میشود را حساب کنند. عدم نگاه سیستمی به زندگی انسانی، نتیجه ای جز مدیریت جزیره ای نخواذ داشت. مدیریتی که کمبود بودجه خود را از عمر جوانان تأمین میکند. سالانه ۷۰۰،۰۰۰ سرباز اعزام می شود و هر سرباز ۲۴ ماه خدمت میکند. حالا با یک حساب سرانگشتی به یک عدد نجومی میرسیم... حال بهتر منظور پدر دلسوز انقلاب اسلامی را درک نمیکنم که میفرماید ریشه مشکلات اقتصادی در داخل کشور است. این اتفاق زمانی دردناکتر میشود که در دو پیک زمانی جهت تأمین کسری بودجه لایحه فروش سربازی را به مجلس میدهد و انجا دیگر

یابید فاتحه انقلاب مستضعفین را خواند زیرا لباس
سربازی دیگر نشان خدمت نیست بلکه نشانه فقر
مالی است! اتلاف وقت و دوری از کار تنها مشکلات
و دردسرهای سربازی نیست. افسردگی، خودکشی
و اعتیاد در پادگان‌ها از جمله مشکلاتی است که
برخی از سربازان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند
و اما آمارهای آن در اختیار عموم قرار نگرفته‌است.
مشکلات روانشناختی چون بیماری‌های روانی،
ترس از سربازی یا مأموریت مرزی، عدم اطمینان
در امنیت خانواده و نگرش منفی نسبت به سربازان،
از جمله عوامل خودکشی سربازان است. هر ماه
حدود ۵ تا ۶ خودکشی در سطح کشور توسط
سربازان وجود دارد. یک ماشین زمانی می‌تواند به
مقصد برسد که تمام اعضای تشکیل دهنده آن
همه‌ا‌هنگ عمل نماینداین درحالی است که از یک
سرو ضرب جمعیت کشور درحال کاهش است و
پیش بینی میشود که در سال ۲۰۵۰این عدد به
صفر تمایل پیدا کند.همچنین خط فقر در حال
تزدیک شدن به ۱۰میلیون تومان است. اگر هر
دو نفر درکنار هم از صبح تا شب هم کار کنند
شاید بتوانم سرجمع نزدیک ۱۰میلیون درآمد
ی‌یاد نمایند اما قطعاً انتظار فرزندار شدن از
اینها نخواهیم داشت. و این یعنی تهدید ملی. البته
قوانین خداری مانند کسر ۲ماه از خدمت بر
متاهلین و کسر ۳ماه از خدمت برای هر فرزند هر
در جهت حفظ منافع خانواده وضع شده که بیشتر
شبیه یک شوخی است .

مشکل دیگری که این نوع از خدمت سربازی ایجاد کرده، محروم کردن افراد از ساده‌ترین حقوق زندگی روزمره آنها است. شرکت در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، منوط به داشتن کارت پایان خدمت یا برخی معافیت‌ها است. یا برخی آزمون‌های خاص نیاز به گذراندن سربازی دارد. به عنوان مثال، در آزمونی مانند آزمون کانون وکلا، بدون داشتن کارت پایان خدمت، اجازه ورود به آزمون داده نمی‌شود و باید دو سال وقت گذراند تا به مرحله شرکت در آزمون رسید.

این قانون با تمام مقدس بودنش دیگر پیر شده و زمان آن است که پوست بی اندازه و به شکل پیشرفته اجرا شود ما در این دوره بیش از پیش نیاز به سرباز اقتصادی برای جنگ اقتصادی داریم، زیرا یک سرباز هر چند هم آموزش ببیند نمیتواند تجربه ی یک نیروی حرفه ای نظامی را بگیرد.

